



دولت آمریکا مایل هستند که سطح درگیری‌ها در لبنان محدود باقی بماند چرا که می‌دانند ایران حساسیت به مراتب بیشتری به لبنان و حزب الله نسبت به نوار غزه و حماس دارد و نمی‌خواهند سطح تقابل میان تهران و تل‌آویو از سطح فعلی فراتر برود. بنابراین طرف‌های مختلف در تلاش هستند تا شرایط را به سمت مذاکره سوق دهند. این در شرایطی است که در داخل لبنان نیز فضا از حدود یک‌ماه قبل به سمت تلاش برای پایان جنگ گرایش پیدا کرده است و گروه‌های مختلفی نیز به حزب الله برای پذیرش آتش‌بس فشار می‌آورند و حتی نجیب میقاتی، نخست‌وزیر نیز در صدد تحقق آتش‌بس و اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ است. در نتیجه با توجه به برآیند نیروهایی که به دنبال ایجاد آتش‌بس هستند، ممکن است فضا به سمتی متممی برود که دو طرف یک طرح جدی را برای مذاکره روی میز بگذارند. اگر ما شاهد شکل‌گیری یک ابتکار جدی باشیم و از طرف دولت بایدن نیز اراده برای نزدیکی به این طرح را ببینیم، شاید بتوانیم آن را جدی بگیریم. در غیر این صورت شرایط فعلی، شرایطی نیست که دولت نتانیاهو را از ادامه پیشروی منصرف کند. البته در کنار این موفقیت‌ها، تحرکات حزب الله نیز نباید نادیده گرفته شود که در طول هفته‌های گذشته بر شدت آتش خود افزوده است و طبق آمار اسرائیل، در اکتبر ۲۰۲۴، ۸۰ نظامی اسرائیلی که بخش قابل توجه آن‌ها در جبهه شمال بودند، کشته شدند. همچنین حزب الله حملات خود به شهرهای اسرائیل را افزایش داده است که در کنار تلفات ارتش اسرائیل توانسته تا حدی، تاکید می‌کنم که تا حدی، فضا را نسبت به زمان سلسله حملات اسرائیل به لبنان که با انفجار بیجرها شروع شد به تورو سیدحسن نصرالله انجامید، تغییر دهد. این مسائل همگی باید کنار هم دیده شوند و به همین دلیل نیز پیش‌بینی در این شرایط بسیار سخت است. آنچه می‌تواند ما را به نقطه‌ای برساند که بتوانیم در خصوص آینده صحبت کنیم این است که ببینیم رتوس طرح آتش‌بس چیست و دعوادر نهایت بر سر کدام مفاد خواهد بود و اسرائیل تنها به بازگشت حزب الله به شمال رودخانه لیتانی راضی خواهد بود یا می‌خواهد این

حزب سلاح خود را تحویل دهد یا حتی خواهان انحلال آن باشد یا در خصوص نیروهای یونیفل در نهایت چه تصمیمی اتخاذ خواهد شد. در این صورت پیش‌بینی من این است که نتانیاهو با آغاز مذاکرات مخالفت نخواهد کرد اما اقدام جدی نکرده و اجازه پیشرفت جدی در مذاکرات را نیز نخواهد داد و فقط سعی می‌کند از این مذاکرات تنها برای پوششی در جهت کنترل فشارهای خارجی استفاده کند تا بتواند دستاوردهای خود را افزایش دهد و در همین مسیر سقف مطالبات خود را نیز افزایش خواهد داد.»

روایت لبنانی آتش‌بس

در سوی دیگر میدان نبرد اما حزب الله، سخنان وزیر دفاع اسرائیل مبنی بر اینکه «تنها ۲۰ درصد از توان موشکی حزب الله باقی مانده است» را تکذیب می‌کند و خود را آماده تداوم جنگ می‌داند. معاون رئیس شورای سیاسی حزب الله در واکنش به این سخنان به الجزیره گفت: «ادعاهای اسرائیلی‌ها مبنی بر اینکه ما بخش زیادی از توان موشکی خود را از دست داده ایم، کذب محض است. ما به دشمن اعلام می‌کنیم که هنوز تمام توان موشکی خود را مورد استفاده قرار نداده ایم». در سمت سیاسی اما نجیب میقاتی، نخست‌وزیر لبنان در سفر به انگلیس و در جریان دیدار با همتای خود با دیگر بر آمادگی لبنان بر اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ برای دستیابی به توافق جهت آتش‌بس تاکید کرده است. محمد خواجویی، تحلیلگر مسائل خاورمیانه و مدیر گروه جامعه و سیاست مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه در لبنان در گفت‌وگو با هم‌میهن در خصوص نگاه حزب الله و لبنان به موضوع آتش‌بس مطرح شده از سوی ایالات متحده، گفت: «حزب الله پس از شوکی که پس از حملات اسرائیل متحمل شد، تلاش کرد تا با اندک توانی که از نظر تجهیزات و نیروی نظامی برایش باقی مانده، نبرد با اسرائیل را همچنان ادامه داده و در غالب جنگ فرسایشی پیش ببرد. در این مسیر ما شاهد بودیم که طی هفته‌های اخیر هم حملات حزب الله به داخل مناطق تحت اشغال اسرائیل زیاد شد و حملات بعضاً در رد آوری را نیز برای اسرائیل رقم زد و میزان درگیری میان نیروهای حزب الله با اسرائیل در جنوب لبنان نیز برای ممانعت از پیشروی ارتش اسرائیل افزایش پیدا کرد. هدف همه این موارد این بود که حزب الله بتواند با این اقدامات در عرصه میدانی، مانع از تحقق معادلات امنیتی مدنظر اسرائیل شود. هم‌سوا با این روند ما شاهد ارسال سیگنال‌هایی از سمت حزب الله بودیم که نشان می‌دهد این حزب آماده قبول آتش‌بس براساس قطعنامه ۱۷۰۱ است. طبیعتاً ما مریت انجام مذاکره از مدت‌ها قبل به آقای نیبه ری داده شده بود و مثل مسابق نیز رهبران حزب الله تاکیدی بر روی موضوع وابستگی این آتش‌بس به پایان جنگ در غزه نداشتند، هرچند یکی در میان، بازم این مسئله مطرح می‌شود که جنگ امروز ما در لبنان در دفاع از غزه است اما مانند سابق موضوع مشروط بودن این آتش‌بس به پایان جنگ در غزه مطرح نشده و دلیل عمده آن نیز این است که بخش زیادی از فرماندهان نظامی و امنیتی حزب الله ترور شده‌اند و وزن جریان سیاسی داخل حزب الله افزایش پیدا کرده است و مشخصاً آقای شیخ نعیم قاسم یک چهره سیاسی است و اولین دبیرکل حزب الله است که با رویکرد سیاسی در این جایگاه قرار گرفته است و مانند سایر رهبران سابقه جهادی و رزمی زیادی ندارد. بنابراین طی روزهای اخیر شاهد اظهار نظر بیشتر چهره‌های سیاسی حزب الله هستیم که در حضور این چهره‌های سیاسی، آن ادبیات و آمادگی حزب الله برای آتش‌بس نیز بیشتر شنیده می‌شود و کمتر در خصوص مشروط بودن آن به آتش‌بس در غزه صحبت می‌شود. بنابراین هر چند پیام انتخاب آقای نعیم قاسم، پیام حزب الله برای تداوم نقش آفرینی علی‌رغم ضرباتی است که متحمل شده اما هم‌زمان انتخاب ایشان با توجه به رویکرد سیاسی می‌تواند به این معنا باشد که در یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین پرونده‌های حزب الله در آینده، نگوئیم که ممکن است با گروه‌های سیاسی در لبنان است؛ مسئله این است که ممکن است حزب الله خلع سلاح نشود اما موضوع تحرکات این حزب با توجه به فضای داخلی لبنان ممکن است دیگر وجود نداشته باشد. به عبارتی، احتمالاً حزب الله از نظر قدرت، مانور و در داخل تا حدودی محدود شود، دلیل



محمد خواجویی کارشناس مسائل لبنان:

به باور من نزدیک کردن مواضع دو طرف به یکدیگر بسیار کار دشواری خواهد بود و فکر می‌کنم آینده این مسئله منوط به آینده میدان نبرد است که آیا حزب الله می‌تواند با افزایش ضرباتش، اسرائیل را ناگزیر کند که به اجرای قطعنامه با مدل سال ۲۰۰۶ تن دهد. من فکر می‌کنم موضوع خلع سلاح حزب الله، یک هدف فعلاً دست نیافتنی برای اسرائیل است و معتقدم اگر به سمت اصلاح قطعنامه ۱۷۰۱ حرکت کنند، مواردی تا کنونی که افزودن خواهد شد اما اینکه شرایط فعلی اسرائیل بخواهد از سوی حزب الله مورد قبول واقع شود، حدس و گمانی بسیار دشوار است و آینده این مسئله را میدان خواهد کرد.

اصلی این مسئله این است که طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر شاهد بلند شدن صدای انتقادی در فضای داخلی لبنان علیه حزب الله هستیم که این تنها از سوی گروه‌هایی نیست که صدرد صد مخالف حزب الله هستند، از سمت گروه‌هایی است که اتفاقاً در اصل سلاح حزب الله توافق دارند اما در ارتباط با اینکه این سلاح در کجا استفاده شود و صرفاً باید در دفاع از لبنان باشد، با این حزب اختلاف دارند؛ طبیعتاً بلند شدن صدای انتقاد از سوی گروه‌های پیش از این همراه با حزب الله، به این معناست که در فضای آینده و پس از جنگ، حزب الله برای توجیه سلاح خودش مانند گذشته دست‌بازی نخواهد داشت و در این شرایط، این مسئله حد و حدودی برای این حزب تعیین خواهد کرد. در این شرایط پررنگ شدن شاخه سیاسی می‌تواند تا حدی به حزب الله برای احیای خود کمک کند. حال در عرصه جنگ نیز حزب الله به دنبال این است که پرونده آتش‌بس را هم‌زمان با موفقیت‌هایش در عرصه میدانی پیش ببرد؛ به این معنا که اگر حزب الله در عرصه میدانی نتواند موفقیت کسب کند، در عرصه مذاکرات نیز نمی‌تواند به آتش‌بس مدنظر خود دست پیدا کند. اصلی‌ترین ابهام بر سر این است که آتش‌بسی که قرار است در آینده رخ دهد بر پایه چه الگویی خواهد بود. آن چیزی که طرف لبنانی یعنی دولت لبنان و به باور من حزب الله به عنوان توافق مطلوب می‌داند این است که قطعنامه ۱۷۰۱ براساس الگویی که در سال ۲۰۰۶ اجرا شد، مجدداً اجرا شود. به این معنا که به باور من حزب الله در این مرحله مشکلی با بازگشت به شمال رودخانه لیتانی و استقرار نیروهای یونیفل و ارتش در جنوب ندارد. ما می‌بینیم آقای نیبه بری هم بارها بر روی این موضوع تاکید کرده است که لبنان آماده اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ است و به نظر می‌رسد نوعی آمادگی در لبنان برای اجرای این قطعنامه وجود دارد. با این حال اما مسئله این است که آیا اسرائیل رضایت خواهد داد تا به ترتیبات امنیتی سال ۲۰۰۶ برگردد چرا که نگاه امروز اسرائیل این است که با ضرباتی که به حزب الله وارد کرده است، به چیزی فراتر از قطعنامه ۱۷۰۱ می‌خواهد دست پیدا کند و به بیان دیگر بازگشت به ترتیبات سال ۲۰۰۶ به معنای شکست تل‌آویو خواهد بود و حزب الله می‌تواند بگوید من به‌رغم ضرباتی که متحمل شدم، به لحاظ استراتژیک آسیبی ندیدم و قطعنامه به همان روال قبل اجرا خواهد شد. این وسط تردیدهایی زیادی وجود دارد که آیا اسرائیل به این امر تن می‌دهد یا اینکه قطعنامه ۱۷۰۱ که تعدیل‌هایی در آن رخ داده است را اجرا خواهد کرد. در این روزها اخباری شنیده‌ایم و می‌توانیم بگوییم حتی آمریکایی‌های پیشنهادی را مطرح کرده‌اند که اصلاحاتی در قطعنامه ۱۷۰۱ رخ دهد و یکی از اصلاحاتی که می‌تواند مدنظر واشنگتن و تل‌آویو باشد این است که حدود اختیارات نیروهای یونیفل در جنوب لبنان افزایش پیدا کند چرا که تا پیش از این تحرکات این نیروها تنها بُعد نظارتی داشت و با اجازه ارتش لبنان بود اما شاید حالا بخواهند این نیروها در مأموریت خود آزادی عمل بیشتری داشته باشند و رأساً وارد عمل شده و عملیات انجام دهند و یا افزایش محدودده حضور نیروهای یونیفل که صحبت‌هایی است که آمریکا و اسرائیل می‌خواهند این نیروها علاوه بر مرز لبنان و اسرائیل، در مرز لبنان و سوریه نیز مستقر شوند چرا که یکی از اهداف اسرائیل قطع مسیر مواصلاتی لبنان و سوریه است تا از این طریق، مسیر تسلیح مجدد حزب الله متوقف شود. این مفاد، آن چیزی است که اسرائیل و به باور من آمریکا نیز خواهان آن است تا ترتیبات امنیتی این منطقه تغییر کند. معتقدم اصلی‌ترین چالش آتش‌بس نیز همین است؛ به این معنا که نحوه اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ چگونه خواهد بود. به باور من نزدیک کردن مواضع دو طرف به یکدیگر بسیار کار دشواری خواهد بود و فکر می‌کنم آینده این مسئله منوط به آینده میدان نبرد است که آیا حزب الله می‌تواند با افزایش ضرباتش، اسرائیل را ناگزیر کند که به اجرای قطعنامه با مدل سال ۲۰۰۶ تن دهد. من فکر می‌کنم موضوع خلع سلاح حزب الله، یک هدف فعلاً دست‌نیافتنی برای اسرائیل است و معتقدم اگر به سمت اصلاح قطعنامه ۱۷۰۱ حرکت کنند، مواردی تا کنونی که افزودن خواهد شد اما اینکه شرایط فعلی اسرائیل بخواهد از سوی حزب الله مورد قبول واقع شود، حدس و گمانی بسیار دشوار است و آینده این مسئله را میدان تعیین خواهد کرد.»



نعیم قاسم: راه نصرالله را ادامه خواهیم داد

بزرگی ما را افزایش می‌دهد. شیخ نعیم قاسم با تاکید بر اجرای تاکتیک‌های نظامی مدنظر سیدحسن نصرالله تاکید کرد: ما با اجرای راهبردهایی که او ترسیم کرده بود به رهبری جنبش حزب الله لبنان بودیم. پس از ترور نصرالله در ضاحیه و سپس به شهادت رساندن صفی‌الدین که از او به عنوان گزینه جانشینی دبیرکل شهید این جنبش یاد می‌شد، در نهایت نعیم قاسم با سازوکار مشخص شده در حزب الله برای انتخاب دبیرکل در این جایگاه قرار گرفت. دبیرکل حزب الله، برنامه کاری خود را ادامه دستورالعمل‌های سیدحسن نصرالله اعلام کرد. به گزارش تسنیم، شیخ نعیم قاسم ضمن تسلیت شهادت شیخ هاشم صفی‌الدین و تمجید از شخصیت وی گفت: «ما درست است که شیخ صفی‌الدین را از دست دادیم اما مبارزه و مقاومت ادامه دارد. رهبر شهید ما آقای هاشم صفی‌الدین یکی از برجسته‌ترین افرادی بود که سید شهید ماسیدحسن نصرالله به او تکیه می‌کرد، ما او را از دست دادیم؛ در حالی که او واقعاً پیروز شد. ما فداکاری‌ها و جانفشانی‌های زیادی در پیش داریم، اما مطمئن هستیم که پیروزی از آن ما خواهد بود.» دبیرکل حزب الله لبنان با تسلیت شهادت یحیی السنوار گفت: «شهید یحیی السنوار نماد قهرمانی برای فلسطین و آزادگان جهان بود و خواهد بود. من از اعتماد رهبری شورای حزب الله تشکر می‌کنم که مرا برای این بار سنگین انتخاب کردند.» دبیرکل حزب الله با تاکید بر اینکه «امانتی که در دست ماست امانت شهید سیدعباس موسوی است» بر اجرای راهبردها و سیاست‌های سیدحسن نصرالله دبیرکل فقید حزب الله تاکید کرد و خطاب به شهید سیدحسن نصرالله گفت: «شما پرچمدار مقاومت و پیروزی و عاشق مقاومت و منبع امید و منادی پیروزی و عاشق دلباختگان بودید و همیشه عزیز خواهید بود.» شیخ نعیم قاسم تاکید کرد: برنامه کاری من ادامه برنامه و دستورالعمل‌های جناب نصرالله در همه زمینه‌هاست. ما براساس مقتضیات با تحولات بر خورد خواهیم کرد و مواضع خود را در قبال آنها اعلام خواهیم کرد. دبیرکل جدید حزب الله، مقاومت را بار امانتی دانست که از سیدعباس الموسوی و دیگران بر جای مانده است که به گفته وی وظیفه و دستور اساسی حفظ مقاومت خواهد بود. وی با اشاره به سخنرانی سیدحسن نصرالله درباره شهید عباس موسوی گفت، من بار دیگر این سخنان را یادآوری و تاکید می‌کنم: کسانی که دبیرکل ما را به شهادت رساندند، می‌خواستند روحیه مقاومت را در هم بشکنند و اراده جهاد را از بین ببرند، اما خون او همچنان در رگ‌های ما می‌جوشد و غرور و



دیپلمات‌ها



سه ماه است با ایران رابطه داریم

نشست خبری سفیر جدید سوئدان در ایران بعد از ظهر دبروز در محل سفارت این کشور در تهران برگزار شد. در ابتدای این نشست کلیپ کوتاهی از جنایات شبه‌نظامیان در این کشور پخش شد که عبدالعزیز حسن صالح طاهار، سفیر سوئدان در توضیح آن گفت: آنچه در سوئدان اتفاق می‌افتد جنایتی بزرگ است که در خاموشی عمدی رسانه‌ها رخ می‌دهد. جنایات‌های شبه‌نظامیان در سوئدان موجب کشته شدن بسیاری از غیرنظامیان شده است. خندق خفر می‌کنند کشته‌شدگان را در آن می‌ریزند. هزاران نفر را دستگیر می‌کنند و با آن‌ها به بدترین شکل برخورد می‌کنند. زنان را دستگیر می‌کنند و به آن‌ها تجاوز می‌کنند و خودشان از آن فیلم می‌گیرند این‌ها انسان نیستند. دبروز در شورای امنیت اعلام شد که این نیروهای تروریستی در سوئدان کودکان ۸ ساله را مورد تجاوز قرار دادند و بسیاری از کشورهای این جنایات را محکوم کردند. آنچه امروز در سوئدان رخ می‌دهد کمتر از جنایات اسرائیل در غزه و لبنان نیست. سفیر سوئدان در آغاز نشست خبری خود گفت: به اسم کشور سوئدان حمله اسرائیل به خاک جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنیم که خلاف تمام قواعد بین‌المللی است. از جامعه جهانی می‌خواهیم جنایات اسرائیل در فلسطین و لبنان را محکوم کنند. از دولت ایران سباسگزام که جنایت‌هایی که در سوئدان اتفاق افتاد را محکوم کردند و همیشه از دولت قانونی در سوئدان حمایت کردند. می‌خواهم مختصری از آنچه از آوریل ۲۰۲۳ در سوئدان رخ داد، تشریح کنم. رهبر گروه شبه‌نظامی در سوئدان معاون رئیس سوئدان و عضوی از ششورای انتقالی بود. رهبری این نیروهای شبه‌نظامی محمد حمدان دقلو ملقب به حمیدتی است. نیروهای او جزو ارتش و نیروهای مسلح بودند که به نیروهای واکنش سریع معروف بودند. تمام سازمان‌های کشور سوئدان مورد حمایت این نیروها بودند و مسئول حفاظت از اماکن کشور بودند. رهبر این نیروهای شبه‌نظامی گویا در حال توطئه کودتایی علیه ژنرال عبدالفتاح برهان بودند و همین اتفاق در ۱۵ آوریل به وقوع پیوست. این نیروها ساعت ۵ صبح هجوم آوردند و همکاران خود را در ارتش قتل عام کردند. با تانک‌ها و تجهیزات نظامی به خانه آقای برهان یورش آوردند و نگهبانان آقای برهان در حالی که از او و مردم سوئدان حمایت می‌کردند شهید شدند و حتی ژنرال برهان تنگن به دست گرفت و حاضر به فرار نشد و در نهایت به جای امنی برده شد و توطئه شبه‌نظامیان به نتیجه نرسید. این نیروهای شورش‌ی از روز اول مردم سوئدان را هدف قرار دادند چرا که بسیاری از این نیروها مزدور هستند و از نیجر و چاد و آفریقای میانه به سوئدان آمدند و نیروهای داعش از لیبی نیز راهی سوئدان شدند. چه کسی به این مزدوران پول و تجهیزات نظامی می‌رساند؟ چرا که مزدور بی‌آنکه پول بگیرد کاری نمی‌تواند این جنگ بسیار بزرگ است و اسرائیل و نیروهای نیابتی اسرائیل پشت این جنگ هستند و امارات به این شبه‌نظامیان پول و اسلحه می‌رساند. سوئدان شکایت رسمی را ۱۱ اکتبر با دلایل اثبات شده به شورای امنیت تقدیم کرد. این نیروهای شبه‌نظامی تلاش کردند به فرهنگ و انسان سوئانی آسیب بزنند و حتی مدارس و دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها را مورد هدف قرار دادند و حتی بیمارستان‌ها و تجهیزات پزشکی را نیز نابود کردند. این شبه‌نظامیان حتی گیاه و محصولات کشاورزی را به آتش کشیدند چرا که می‌خواهند انسان‌ها آسیب ببینند. مردم اصیل سوئدان را آواره کرده‌اند و می‌خواهند مزدوران را بر مردم سوئدان حاکم کنند. این نیروها به موزه‌ها نیز هجوم بردند. این نیروهای شبه‌نظامی به دنبال نابودی سوئدان هستند و از ورود کمک‌های بشردوستانه ممانعت می‌کنند. حکومت سوئدان به تمهیدات خود عمل کرده است و یک گذرگاه بشردوستانه از کشور چاد باز کرده بود تا کمک‌های انسانی وارد شود اما تروریست‌ها از این گذرگاه برای عبور دادن مزدوران استفاده کردند. مردم از ترس شبه‌نظامیان به ارتش پناه می‌برند که در امان باشند. این نیروهای شبه‌نظامی به این قدرت نمی‌رسند اگر کمک‌های نظامی و مالی از سوی کشورهای دیگر خصوصاً امارات به آن‌ها نمی‌رسید. سفیر سوئدان در پاسخ به این سوال که هدف کشورهای همچون امارات برای حمایت از شبه‌نظامیان چیست؟ گفت: سوئدان در منطقه استراتژیک قرار دارد و جغرافیای این کشور موجب می‌شود که به پلی میان کشورهای عربی و آفریقای تبدیل شود. سوئدان منابع نفت و طلا دارد و خاک حاصلخیز دارد و رود نیل از سوئدان می‌گذرد. عبدالعزیز حسن صالح طاهار در پاسخ به این سوال که آیا همکاری نظامی میان ایران و سوئدان وجود دارد؟ چرا که برخی رسانه‌ها از ارسال سلاح به سوئدان خبر می‌دهند. گفت: رابطه میان ایران و سوئدان برای ۸ سال قطع بود و سه ماه است که روابط بازگشته است و جنگ از یک سال و ۹ ماه قبل آغاز شده است و ارتش در این مدت مقاومت کرده است و ارتش پیش از رابطه دو کشور در صحنه نبرد بود. ما عملاً یک ماه است که پس از تقدیم استوارنامه رابطه خود را آغاز کرده‌ایم.